

نهضت مشروطه ایران

نهضت مشروطه، جنبش سیاسی و اجتماعی گسترده و قدرتمندی بود که در زمان مظفردالدین شاه به وقوع پیوست. آرمان و هدف این نهضت این بود که آزادی، عدالت و استقلال از بیگانه را در کشور برقرار سازد. این مقطع مهم در تاریخ معاصر ایران، تأثیر عمیقی در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان داشته است. در این درس، شما با زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه آشنا خواهید شد.

زمینه‌های نهضت مشروطه

۱- از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن سرزمین‌هایی بود که به وسیله دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شده بودند.

قسمت‌هایی که توسط روسیه از ایران جدا شد عبارت بودند از: کل قفقاز در شمال غربی و منطقه ماوراءالنهر در شمال شرقی (شامل کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان کنونی) به این ترتیب، در شرق و غرب دریای خزر، مناطق و ایالت‌های وسیع و زرخیزی از ایران جدا شد.

سرزمین‌هایی که توسط انگلستان از ایران جدا شد عبارت بودند از: ایالت‌های هرات و قندهار؛ و بخش بزرگی از بلوچستان.

فعالیت ۱

فکر کنیم و پاسخ دهیم

احساس ضعف، خودباختگی و حقارت ناشی از عهدنامه‌های استعماری چه نمود و ظهوری در هنر و فرهنگ جامعه ایران داشت؟ برای مشاهده نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران در دوره قاجار به صفحه ۴۲ همین کتاب مراجعه کنید.

۲- غلبه استعمار بر مملکت

ضعف حکومت قاجار در زمان گسترش استعمارگرهای اروپاییان و همچنین طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینه سلطه بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجه این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجی‌ان داده می‌شد. علاوه بر آن قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند موجب سلطه بیشتر استعمارگران بر مملکت شد. علاقه شاهان قاجار به مسافرت به اروپا، انگیزه و میزان دریافت وام از بیگانگان را افزایش داد. ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه قرض‌هایی از روس

و انگلیس دریافت کردند و به جای اینکه این پول را هزینه کارهای اساسی کنند آن را، خرج سفرهای خود به اروپا کردند. دادن امتیازات، گرفتن وام و اعمال حق کاپیتولاسیون که از عهدنامه ترکمانچای برقرار شد و همچنین دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران احساسات ملی را جریحه‌دار کرده بود.

فعالیت ۲

بحث و گفت‌وگو

با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید که چرا مطالعه نهضت مشروطه در تاریخ معاصر ایران اهمیت دارد؟

۳- استبداد دستگاه حاکم

بر مطلق بودن قدرت شاه کشید. در آستانه نهضت مشروطیت ایران، روحانیون و حوزه‌های علمیه شیعه به استحکام و انسجام سیاسی و مبارزاتی رسیده بودند. در نتیجه یک قرن مبارزه و بیدارگری، ارتباط منظمی میان علما و مردم به وجود آمد و زمینه پیدایش حرکتی فکری به رهبری عالمان دینی فراهم شد. گسترش این حرکت فکری موجب افزایش آگاهی مردم در زمینه مسائل اعتقادی و دینی شد و باورهای مذهبی و فرهنگی جامعه را در مقابل انحرافات فکری تقویت کرد. اولین ثمره این فعالیت‌ها، پیروزی در نهضت تنباکو بود که علاوه بر لغو قرارداد توتون و تنباکو، قدرت و رهبری روحانیون شیعه را در صحنه سیاسی کشور آشکار کرد و آسیب‌پذیری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در برابر اراده ملت نشان داد. این جریان فکری و اعتراض‌آمیز از دوره ناصرالدین شاه به دوره سلطنت مظفرالدین شاه منتقل شد و به تدریج به نهضتی عظیم به رهبری روحانیون تبدیل گردید که آیت‌الله سید محمد طباطبایی، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در داخل ایران و مراجعی همچون آیت‌الله محمد کاظم خراسانی، آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی در نجف اشرف آن را رهبری می‌کردند.

همان‌طور که درس سوم اشاره شد، حکومت قاجار بر بنیاد استبداد متکی بود و قدرت در دست شاه و اراده او متمرکز بود. مردم ایران هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان و مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی نداشتند.^۱ شاه و بستگانش هر کاری که مایل بودند، انجام می‌دادند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر مردم می‌آوردند. این وضع در ایالت‌ها (استان‌ها) بدتر از مرکز حکومت بود. مالیات‌های بسیار سنگین، فشار کمرشکنی را بر مردم تحمیل می‌کرد و بر نارضایتی‌ها می‌افزود.

۴- مخالفت‌های مردم و علما با استبداد و استعمار

توجه مردم مسلمان ایران به آموزه‌های دین اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی و لزوم دفع ظلم که در آیات قرآن کریم و سیره معصومین به آن پرداخته شده است، موجب می‌شد نسبت به این آموزه‌ها احساس تکلیف کنند. از سوی دیگر مکتب شیعه قدرت مطلق سلاطین را نامشروع می‌دانست و مشروعیت نسبی قدرت حکام، مشروط به پاسداری از باورهای دینی مردم و حفظ تمامیت ارضی کشور بود. مرجعیت شیعه در جریان نهضت تحریم تنباکو خط بطلانی

۱- یک روز در بازگشت ناصرالدین شاه از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، سربازهایی که پرداخت حقوقشان ماه‌ها عقب افتاده بود، می‌خواستند عریضه‌ای به شاه تقدیم کنند اما از طرف همراهان او، با ضرب و شتم پس رانده شدند. آنها نیز از شدت ناراحتی چند تکه سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب کردند. یکی از این سنگ‌ها به کالسکه شاه خورد و اسب‌ها رمیدند. به دستور ناصرالدین شاه، سربازان شاکی را که ده نفر بودند، با دستان بسته به شهر آوردند و همگی آنها را در حضور او، با طناب خفه کردند. (ن. ک: شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، ص ۱۵).

اساس این نهضت بر مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش برای برقراری عدالت در مملکت قرار داشت، تا با ایجاد عدالت‌خانه و «دارالشورا» قدرت و اختیارات پادشاه و حکام را محدود و با اجرای قوانین اسلامی از لجام گسیختگی آنها جلوگیری کند.

دستاورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای پیشرفته در تماس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان، به جامعه منتقل می‌شد.

الف) روزنامه‌ها

یکی از عوامل‌هایی که در دوره قاجار سبب ایجاد تحولاتی بزرگ در مردم شد، انتشار روزنامه‌ها بود. در آن زمان روزنامه‌های فارسی‌زبان دو دسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دسته روزنامه‌های «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم می‌شدند. «کاغذ اخبار»، «وقایع اتفاقیه»، «شرف» و «شرافت» از جمله روزنامه‌های دولتی بودند. «کاغذ اخبار» اولین روزنامه ایران بود که توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. «تربیت» و «ادب» از معروف‌ترین روزنامه‌های غیردولتی چاپ ایران بودند. «عروة الوثقی»، «اختر»، «قانون»، «حبل‌المتین»، «حکمت» و «ثریا» از مشهورترین روزنامه‌های فارسی‌زبان بودند که در خارج از کشور چاپ و وارد ایران می‌شدند.

۵- ورود اندیشه‌های جدید

عصری که در آن، شاهان سلسله قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحولاتی فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. از سال ۱۲۳۸ تا سال ۱۲۹۰ ش تعدادی از کشورهای اروپایی یا آسیایی به حکومت مشروطه و یا جمهوری دست یافتند. ایرانیان نیز به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند.

زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجویان به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد.

فعالیت ۳

چرا برخی روزنامه‌های فارسی‌زبان در خارج از کشور چاپ می‌شد؟

از اندیشه‌های نوین غربی، به‌ویژه نظام حکومت مشروطه انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ اثر حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابسامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های تمدن غرب ستایش کرده است.

ب) آثار روشنفکران

۱- سفرنامه‌ها: اولین نشانه‌های اندیشه‌های نوین، در سفرنامه‌های عهد قاجار مشاهده می‌شود. سفرنامه میرزا صالح شیرازی - از اولین دانشجویان اعزامی به خارج - از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامه خود به روشنی

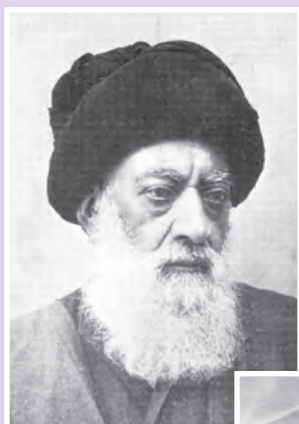
۲- کتاب‌ها و آثار دیگر: نوشته‌های میرزا ملک‌خان، میرزایوسف خان مستشارالدوله، عبدالرحیم خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستند که در پیدایش مشروطه خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرا در برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

فعالیت ۴

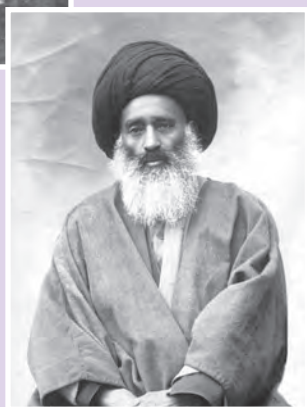
بخشی از نامه سیدجمال‌الدین در ادامه آمده است. آن را بخوانید و درباره موضوعات اصلی مطرح شده در آن، گفت‌وگو کنید:

«من در موقعی این نامه را می‌نویسم که در زندان محبوسم، نه انتظار نجات دارم و نه امید حیات. حبس برای آزادی انسان است و کشته می‌شوم برای زندگی قوم. ولی افسوس می‌خورم از اینکه کشت‌های خود را نذر ویدم، به آرزویی که داشتم کاملاً نائل نگردیدم. شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل مشرق را ببینم، دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی را از حلقوم ملت‌های مشرق بشنوم. ای کاش من تمام بذر افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود بذره‌های بارور مفید خود را در زمین شوره‌زار سلطنت، فاسد نمی‌نمودم. آنچه در آن مزرعه کاشتم به رشد رسید، هر چه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید. در این مدت هیچ یک از تکالیف خیرخواهانه من به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت. همه را، شهوت و جهالت مانع از قبول گشت. امیدواری‌هایم به ایران بود، با هزاران وعده و وعید به ترک‌یا احضارم کردند، این نوع دست‌بسته و مقهورم نمودند. غافل از اینکه، صفحه روزگار حرف حق را ضبط می‌کند. باری، من از دوست گرامی خود خواهش‌مندم این آخرین نامه را به نظر دوستان عزیز و هم‌مسلك‌های ایرانی من برسانید و زبانی به آنها بگویید شما که میوه رسیده ایران هستید برای بیداری ایرانی دامن همت به کمر زنید، از حبس و قتال نترسید، از جهالت ایرانی خسته نشوید، از حرکات مذبوحانه سلاطین متوحش نگردید. با نهایت سرعت بکوشید، با کمال چالاکی کوشش کنید، طبیعت به شما یار است و خالق طبیعت مددکار. سیل تجدد به سرعت به طرف مشرق جاری است. بنیاد حکومت مطلقه و مستبد، منعدم شدنی است، شماها تا می‌توانید در خرابی اساس حکومت مطلقه و مستبد بکوشید نه به قلع و قمع اشخاص. شما تا توان دارید در نسخ [برداشتن] عاداتی که میان سعادت و ایرانی سدّ سدید گردیده، کوشش نمایید؛ نه در نیستی صاحبان عادات. هر گاه بخواهید به اشخاص مانع شوید وقت شما تلف می‌گردد. سعی کنید موانعی را که میانه الفت شما و سایر ملل واقع شده رفع نمایید. گول عوام فریبان را نخورید...»

(تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، مقدمه مؤلف، صص ۶۷-۶۸ [با اندکی تصرف])



آیت‌الله طباطبایی



آیت‌الله بهبهانی

آغاز حرکت مردم علیه استبداد و پیروزی نهضت مشروطه

مظفرالدین شاه

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه مردم رفته رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین شاه، آخرین نمونه این نارضایتی عمومی بود. او پادشاهی خودکامه بود که در طی حکمرانی پنجاه ساله‌اش، با شیوه‌های استبدادی، از ابراز علنی انتقادهای مردم جلوگیری می‌کرد. جانشین او، مظفرالدین شاه، فردی سست‌عنصر، بی‌اراده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. مظفرالدین شاه، عین‌الدوله را که فردی مستبد بود، به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و اداره مملکت را به او سپرد. مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش، سه بار به اروپا سفر کرد. پیامد این سفرها، هزینه‌هایی سنگین بود که دولت با گرفتن وام از بیگانگان، آن را تأمین می‌کرد.

هم‌زمان، در روزنامه‌ها ماجراهایی از این سفرها درج می‌شد و خشم عمومی را برمی‌انگیخت. خشونت‌های عین‌الدوله و حاکمان ایالت‌ها، همراه با فقر عمومی و رکود شدید اقتصادی نیز، بر این نارضایتی‌ها می‌افزود و کشور را در آستانه یک شورش سراسری قرار می‌داد.

محرم سال ۱۳۲۳ ق / فروردین ۱۲۸۴ ش مناسب‌ترین فرصت را برای اعتراض‌های مردمی فراهم کرد. روحانیون با استفاده از حضور مردم در مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، ضمن تکیه بر جنبه ستم‌ستیزی قیام آن حضرت، پیام عدالت‌خواهی را بین مردم تبلیغ می‌کردند. از این تاریخ تا ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق / ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش سلسله حوادثی رخ داد که سرانجام به پیروزی نهضت مشروطه انجامید. در ادامه با مهم‌ترین حوادثی که منجر به پیروزی این نهضت شد، آشنا می‌شوید.

۱- ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب‌دهنده جنبش مشروطیت ماجرای نوز بلژیکی بود. این واقعه واکنشی در برابر توهین به مقدسات مردم مسلمان ایران به‌شمار می‌رود که آغازگر یک جنبش عمومی شد. اروپاییانی که در تهران بودند، در مراسم سال نو محفلی می‌آراستند و در آن، با پوشیدن لباس‌های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن باماسکه برپا می‌کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ ش مئیسو نوز بلژیکی که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه (۱۲۸۰ ش) کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران بود، با لباس روحانیان و در حالی که قلیان به‌دست داشت، عکس گرفت. این عکس در محرم ۱۳۲۳ ق / ۱۲۸۳ ش در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد؛ زیرا بلژیکی‌ها که از سال ۱۳۱۵ ق / ۱۲۷۶ ش

اداره گمرک‌های ایران را به دست گرفته بودند، با بدرفتاری، افکار عمومی را بر ضد خود تحریک کرده بودند.

رهبری این حرکت را آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی به عهده داشت. در واقع این اولین جرعه نهضت مشروطه بود. پس از آن، طرفداران نهضت تلاش کردند حرکتی را که سیدعبدالله بهبهانی آغاز کرده بود، بدون نتیجه رها نشود. به اعتقاد آنان، این گام اگر با موفقیت به پیش می‌رفت، قدم‌های مهم‌تر پشت سر آن برداشته می‌شد. بنابراین، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی با آیت‌الله سید محمد طباطبایی متحد شد. این اتحاد، تا پایان حرکت مذکور، ادامه یافت.

همکاری این دو سید روحانی، مردم ستم‌دیده و آزادی‌خواهی را که از مدت‌ها قبل در «انجمن‌های مخفی» تشکّل‌های کوچکی فراهم آورده بودند، امیدوار ساخت تا از گوشه و کنار سر آورند و آماده قیام شوند. در ادامه این جریان و هم‌زمان با سفر سوم مظفردین‌شاه به اروپا، عده‌ای از بازرگانان در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام تحصن کردند.

۲- نارضایتی مردم ایالت‌ها

در ایالت‌ها نیز حادثه‌هایی رخ داد که نشانگر فراگیر بودن نارضایتی مردم بود. معروف‌ترین این حوادث ماجرای شلاق خوردن سه تن از علمای کرمان بود که برای مقابله با فرقه «شیخیه» در این شهر قیام کرده بودند. این سه، پس از آنکه به فلک بسته شدند، از شهر اخراج گردیدند.

در ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ق، به‌ویژه ایام عزاداری امیرالمؤمنین علیه السلام، محور اصلی سخنرانی و اعظان تهران، موضوع توهین به این عالمان بود که برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی به‌پا خاسته بودند. در دیگر ایالت‌ها و شهرها نیز شرایط نامساعد بود؛ شعاع السلطنه، حاکم فارس، با ستمگری‌های خود، موجب نارضایتی مردم شده بود. مردم خراسان از ستمگری‌های غلامرضا خان آصف‌الدوله به‌جان آمده بودند.

فعالیت ۵

اجرای نمایش

قسمت‌هایی از رساله مقیم و مسافر را انتخاب کنید، به‌صورت نمایش در کلاس اجرا کنید و نتیجه‌گیری کنید که نویسنده رساله موافق مشروطه است یا مخالف آن؟

۳- ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک استقراضی روس را بنا نهادند. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی به شدت با این کار مخالفت کرد. مردم نیز از این اقدام روس‌ها، ناخشنود بودند. بنابراین، یک اعتراض عمومی شکل گرفت، اما روس‌ها، با بی‌اعتنایی، به کار خود ادامه دادند، تا اینکه موضوع به اطلاع مراجع تقلید نجف رسید. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و روحانی

دیگری به‌نام میرزا مصطفی آشتیانی، به همراه مردم تهران در یک شورش عمومی، ساختمان مذکور را با خاک یکسان کردند.

۴- فلک شدن بازرگانان

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت و شعله‌های اعتراض مردم را برافروخت. به‌دنبال خشم عمومی از گرانی‌ها، در مسجد شاه مجلسی بزرگ

برپا شد. این تجمّع، با توطئه امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنّج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماع‌های بزرگی در منزل‌های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی، روحانیون و مردم، با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.

۵- مهاجرت صغری

مهاجرت روحانیون و مردم به شهری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغری مشهور است. این مهاجرت، اولین مرحله اتحاد نیروهای ضد استبداد بود. هر روز بر عده این مهاجران افزوده می‌شد. عین‌الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران، به هر شیوه که متوسّل شد، نتیجه نگرفت. از آنجا که درباریان فاسد، مانع از رسیدن خبرهای صحیح به مظفرالدین‌شاه بودند، مهاجران مجبور شدند سفیر عثمانی را واسطه قرار دهند و توسط او، خواسته‌های خود را به گوش شاه برسانند.

مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود:

– ایجاد عدالت‌خانه (دادگستری) در همه شهرها، برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه.
– عمل به قانون اسلامی، به طور دقیق و به دور از ملاحظه‌های شخصی.

مظفرالدین‌شاه و عین‌الدوله اعلام کردند که با خواسته‌های مهاجران موافق هستند. بنابراین، این مهاجرت، پس از یک ماه، خاتمه یافت.

۶- مهاجرت کبری

هنوز مدت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعده دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌الله طباطبایی چند بار به مظفرالدین‌شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی

عین‌الدوله را به او یادآور شد. اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا به آنها توجه نکرد. در نتیجه این بی‌اعتنایی به خواسته مردم، بار دیگر شعله‌های قیام افروخته شد. این بار بین مردم و سربازان درگیری پیش آمد و در نتیجه، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به شهادت رسید. این حادثه، خشم مردم را برانگیخت.

عین‌الدوله به سخت‌گیری بیشتر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت. عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. اما رهبران مردم، پس از بحث و تبادل نظر، تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر مقدّس قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبری» معروف شد.

تحصن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عده‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و بست نشستند. سنت «بست نشینی» و تحصن که از دیرگاه در ایران معمول بود، بیشتر در مساجد و زیارتگاه‌ها و اماکنی صورت می‌گرفت که مورد احترام مردم قرار داشت و با باورهای دینی آنها سازگار بود. مشروطه‌خواهان، بدون پناهندگی به سفارت انگلستان، می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند. دولت انگلستان بر خلاف دولت روسیه که از دربار حمایت می‌کرد، به ظاهر پشتیبان نهضت مشروطه بود. انگلستان، برای نیل به مقاصد و منافع استعماری‌اش این سیاست را در پیش گرفته بود. اما کسانی که از سیاست پیچیده استعمار انگلستان درک روشنی نداشتند و نسبت به غرض‌های بیگانگان غافل بودند، از تجربه جنبش تنباکو، درس و عبرت لازم را نگرفتند. از این رو، سفارت انگلستان در تهران که آرزوی جز اخراج طرفداران روسیه از دربار را نداشت، عده‌ای از عامل‌های شناخته شده خود را در بین آزادی‌خواهان وارد و مردم را به تحصن در سفارتخانه تشویق کرد.



دیگ‌های غذا در سفارت انگلیس برای مشروطه‌خواهان

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملی

تهران تشکیل گردید. عده‌ای از سیاستمداران مشروطه‌خواه، به تدوین قانون اساسی پرداختند.^۱ آنان با عجله آن را نوشتند و به امضای مظفرالدین شاه رساندند. شاه، ده روز پس از امضای قانون اساسی، درگذشت. به این ترتیب، کشور استبداد زده‌ما، با بهره‌گیری از اندیشه‌های سیاسی عالمان بزرگ دینی، کوشش فرهیختگان جامعه و مجاهدت مردم، به حکومتی دست یافت که می‌بایست براساس قانون اداره می‌شد.

همراه با مهاجرت علمای تهران به قم، عالمان سایر شهرستان‌ها و مراکز ایالت‌ها نیز وارد میدان شدند و نهضت مردمی به اوج خود رسید. بخصوص، حضور شیخ فضل‌الله نوری، روحانی طراز اول تهران، در کنار آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی، بر استحکام قیام افزود. با اوج‌گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد.

مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از:

- ۱- برکناری عین‌الدوله از صدارت
- ۲- فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران
- ۳- ایجاد عدالت‌خانه
- ۴- تشکیل دارالشورا (مجلس نمایندگان)

مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد. هفت روز بعد، علما، با استقبال پرشکوه مردم، از قم بازگشتند. شهر چراغانی و جشن شادی به پا شد و در ۲۸ مرداد، اولین دوره مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان



بازگشت علما از مهاجرت کبری

۱- هدایت (مخبر السلطنه) نوشته است: «صنیع الدوله، محتشم السلطنه، مشیرالملک، مؤتمن الملک و نگارنده، معین شدم نظام‌نامه انتخابات را بنویسیم.» (خاطرات و خطرات، صص ۱۴۱ و ۱۴۲)

به نظر شما چرا نمایندگان مجلس شورای ملی در نوشتن قانون اساسی مشروطه شتاب داشتند؟

کاوش خارج از کلاس

- ۱- با راهنمایی معلم خود یکی از کتاب‌هایی را که در زمان مشروطه نوشته شده و جریان مشروطه‌خواهی در آن وجود دارد، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.
- ۲- چه کتاب‌های خاطراتی از آن زمان به یادگار مانده است؟

مشروطه در دوره محمدعلی شاه

محمدعلی شاه



محمدعلی شاه قاجار

بعد از مظفرالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، به سلطنت رسید. محمدعلی شاه، نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی‌اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود. پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست؛ اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته مشروطه نبود، بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش رو داشت که به شرح آنها می‌پردازیم:

تدوین متمم قانون اساسی و شدت گرفتن اختلاف‌ها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که اداره امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می‌کردند تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستوره‌های شرع نباشد. در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود؛ تا آنکه سرانجام شیخ فضل‌الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه مشروعه» ایجاد شود.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنایی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه ایران مخالفت می‌کرد:

- ۱- جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد؛
- ۲- کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود؛
- ۳- پیشگیری از قیام ملت‌های منطقه قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران. انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت:
- ۱- افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه؛
- ۲- به قدرت رساندن مهره‌های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛
- کمک‌های بی‌دریغ انگلیس به بست‌نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت؛
- ۳- محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرارداد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آرا، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را رد و برای حلّ این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهمّ مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمّم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه‌خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدّی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد تا ریاست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.

او که در دوره نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمدعلی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید. شاه این اقدام را به مشروطه‌خواهان نسبت

داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرمانده نیروهای قزاق به فرمان محمدعلی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد. به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه‌خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌الله سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی، توسط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند. بدین گونه، دوباره برای مدّتی استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره استبداد صغیر نامیده‌اند.



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط لیاخوف در ایام مشروطیت

مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب‌گرایان که داعیهٔ مشروطه‌خواهی و وطن‌دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل‌هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، آیت‌الله سیدعبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت

استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند. با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنهٔ مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت در تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز در مانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان‌تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود. سرانجام در تیر سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.

بیشتر بدانیم

۱- نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندان‌ای دست زدند. اکثر فعالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی - اسلامی بوده است؛ به‌عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه، زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایهٔ بانک ملی را تهیه کردند و پس‌اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست‌خارجیان و استقراض از آنها انجام شود.

۲- مشروطه و فراماسونری

سعید نفیسی (متوفی ۱۳۴۵) جزو اولین نسل از استادان دانشکده تاریخ دانشگاه تهران می‌نویسد: «انگلیسی‌ها بسیار ظاهرالصلاحند و باطن خبیث خود را در زیر لفاقهٔ ظاهری آراسته، نهان کرده‌اند... دستگاه جاسوسی انگلستان، تا کسی از رموز آن با خبر نشده باشد، نمی‌تواند تصور کند که چه خیانت‌ها در آن نهفته است. این دستگاه همواره با فراماسون‌های فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته و با زبردستی خاص، فراماسون‌ها را در هر جای ایران به نفع خود به کار انداخته و آنها را به اطاعت محض وادار کرده است. (نیمه راه بهشت، سعید نفیسی، صص ۴۸-۴۹)

سازمان فراماسونری در ایران با حکومت هند، بریتانیا و چند کشور بیگانه، ارتباط وثیق داشت و در مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر آن حضور دارد. از نهضت مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ و همچنین در مسئولیت‌های حساس سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پنجاه سال سلطنت پهلوی، اعضای عالی رتبه ماسونی دیده می‌شوند.

دوره دوم مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۹۳ش)

دوره دوم مشروطه یکی از برهه‌های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

- ۱- اختلاف‌های شدید بین طرفداران مشروطه
- ۲- مداخله‌های آشکار و سلطه‌گرانه روس و انگلیس در سرنوشت ایران



احمد شاه

قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف‌های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق‌العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع و پسر دوازده‌ساله او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد.

بیشتر بدانیم

ملک‌زاده - یکی از تاریخ‌نویسان آن عصر (فرزند ملک‌المتکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می‌داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می‌شد که عده زیادی از کرسی‌نشینان باغ‌شاه و مشاورین و همدستان محمدعلی‌شاه که دستشان آغشته به خون آزادی‌خواهان بود، لباس مشروطه‌خواهی دربر کرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می‌شدند، دوش به دوش نایب‌السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»^۱.

پس از آنکه دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام‌های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه‌خواهان تیریز شعله‌ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند. آنان همچنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی‌زاده از مجلس بودند.

شهادت شیخ فضل‌الله نوری

با پیروزی مشروطه‌خواهان، انتظار می‌رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی‌خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی‌شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق

۱- ن. ک: ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، ص ۱۲۴۸

و گفت: «در مقابل مشیت و اراده الهی، تسلیم صرف است». همچنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم».

بیرم خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل الله نوری، یکی از فجیع ترین اعمال مشروطه خواهان بود. عده ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت های مشابه آن می دانند.

سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه - همان گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه مشروعه» و قانون اساسی بر پایه ارزش های اسلامی، با مشروطه اقتباس شده از غرب، مخالفت کرده بود. در جریان نهضت تنباکو، وی به عنوان نماینده میرزای شیرازی در ایران، به حمایت جدی از این نهضت پرداخت، اما پس از تسلط مشروطه خواهان بر ایران، خانه اش مورد تعرض مسلحانه قرار گرفت.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آنجا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ یک از اینها را نپذیرفت

برگی از تاریخ

ضیاءالدین دُرّی که با شیخ فضل الله در ایام تحصن دیدار و گفت و گو داشته می نویسد:

زمانی که [شیخ] مهاجرت کردند به زاویه مقدّسه، یک روز رفتم ملاقات خلوت از ایشان گرفتم. پس از ملاقات عرض کردم می خواهم علت موافقت اولیّه حضرت عالی را با مشروطه، و جهت این مخالفت ثانویه را بدانم. اگر مشروطه حرام است... چرا ابتدا همراهی و مساعدت فرمودید؟ و اگر... جایزه است... چرا مخالفت می فرمایید؟ دیدم... اشک در چشم هایش حلقه زد. گفت: «من والله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی دین و فرقه ضالّه و مُضِلّه مخالفم که می خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه ها را که لابد خوانده و می خوانید که چگونه به انبیا و اولیا توهین می کنند و حرف های کفرآمیز می زنند؟! من عین همین حرف ها را در کمیسیون های مجلس از بعضی شنیدم. از خوف آنکه مبدا بعدها قوانین مخالف... اسلام وضع کنند، خواستم از این کار جلوگیری کنم، آن لایحه را نوشتم. تمام دشمنی ها و فحاشی ها از همان لایحه سرچشمه گرفته است! علمای اسلام مأمورند برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم. چگونه من مخالف با عدالت و مروج ظلم می شوم؟ من در همین جا قرآن را از بغل خود درآورده قسم خوردم و قرآن را شاهد عقیده ام قرار دادم که مخالف با مشروطه نیستم، معاندین گفتند: این، قرآن نبوده است بلکه قوطی سیگار بوده! حال با همچو مردمی چگونه مخالفت نکنم... و سخنی نگویم؟ مطابق حدیث صحیح صریح، در این گونه موارد علما باید از بدع جلوگیری کنند والا خداوند... آنها را به رو، به آتش جهنم می اندازد.» (آخرین آواز قو، ابوالحسنی منذر، ص ۷۵)

جلال آل احمد درباره او گفته است: «من نعلش آن بزرگوار را بر سر دار، همچون پرچمی می دانم که به علامت استیلای غرب زدگی، پس از دو بیست سال کشمکش، بر بام سرای این ملت آفرشته شد»^۱.

تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه خواهان

به دنبال اعدام شیخ فضل الله نوری و تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند.



اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی عدالتی می دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات ها به رهبری سید حسن تقی زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می ورزیدند تا مشروطه را از جنبه های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان های اصیل آن دور سازند.

با شدت گرفتن درگیری های سیاسی، به تدریج، جو وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات ها ترور شد. تقی زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود، از کشور گریخت و به اروپا رفت. به فاصله ای کوتاه، چند تن از دمکرات ها ترور شدند.

مجلس نوپای مشروطه و مداخله بیگانگان

طبق تصمیم دوره دوم مجلس شورای ملی، عده ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره دارایی و خزانه داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند.^۱ مورگان شوستر آمریکایی، معروف ترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح هایی دامنه دار در امور مالی و گمرک ها کرد. این اقدام او که سبب منظم شدن دستگاه اقتصادی کشور می شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ش روسیه، طی اختطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست های روسیه به این شرح بود:

۱- اقدام های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود؛

۲- بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود؛

۳- هزینه نگهداری قوای روسیه در ایران را، دولت ایران پرداخت کند.

با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد. اختطار روسیه، بحرانی

۱- در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه جویانه آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته نشان نداده بود و دولتمردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می دادند.

بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت.

مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام السلطنه، نخست وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آنها در اداره کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سروسامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند. آیت‌الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند، تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه عراق، آماده عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم علیه السلام را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند. در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد. سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.

برگی از تاریخ



آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۱۸-۱۲۹۰ ش)

در اثنای نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعه عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی و مقابله با انحراف غرب‌گرایان در مشروطه آماده عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی زمینه‌های نهضت مشروطه را فراهم کرد؟
- ۲- مهاجران در هجرت صغری چه خواسته‌هایی داشتند؟
- ۳- سفارت انگلیس در نهضت مشروطه چگونه از سنت بست‌نشینی به سود منافع خود استفاده کرد؟
- ۴- دولت روسیه به چه دلایلی با نهضت مشروطه مخالفت می‌کرد؟
- ۵- روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟